سی‌وسومین همایش بانکداری اسلامی: علل ناترازی بانک‌ها و راه‌های برون‌رفت از آن- هدایت اعتباری و رشد بدون تورم
۷ و ۸ شهریور ماه ۱۴۰۲، صص. ۸۱-۱۰۶

بررسی اثر حاکمیت شرکتی و دارایی بانک‌ها بر مدیریت ریسک اعتباری

کورش پرویزیان[۱]
مهدی فراهانی[۲]
زهرا زندیان[۳]

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی اثر حاکمیت شرکتی و بررسی اثر دارایی‌های بانکی (با محوریت متغیر بازده دارایی‌ها) بر مدیریت ریسک اعتباری بوده است. این تحقیق از دیدگاه شیوه استدلال، قیاسی، بر مبنای هدف، کاربردی و بر مبنای روش مورد استفاده، از نوع همبستگی است. بازه زمانی پژوهش، سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰ برای بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، از صورت‌های مالی سالانه بانک‌ها و گزارش هیئت‌مدیره به‌مجمع عمومی صاحبان سهام استخراج و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از روش رگرسیون چندمتغیره پنل استفاده شده است. از ویژگی‌های این تحقیق، استفاده از ظرفیت سهامداران نهادی و برآورد الگو به‌روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (EGLS) است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سهامداران نهادی، استقلال هیئت‌مدیره، نسبت سرمایه به دارایی و بازده دارایی‌ها بر ریسک اعتباری بانک‌ها تأثیر منفی و معناداری دارد. همچنین، اندازه هیئت‌مدیره، دوگانگی مسئولیت مدیرعامل، اندازه بانک و نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده، تأثیر مثبت و معناداری بر ریسک اعتباری بانک‌های نمونه تحقیق داشته است.

واژه‌های کلیدی: تسهیلات پُرریسک، بازده دارایی‌ها، صنعت بانکداری، حاکمیت شرکتی، ریسک اعتباری
JEL: G3, E6, E5

---

[۱] مدیرعامل بانک پارسیان، (نویسنده مسئول)
[۲] مدیر آینده پژوهی بانک پارسیان؛ farahani144@gmail.com
[۳] رئیس اداره پژوهش و تحقیقات بانکداری اسلامی بانک پارسیان؛ zandian_zahra2038888@gmail.com

مقدمه

به‌دنبال تشکیل شرکت‌های بزرگ و طرح موضوعات مهم در رابطه با نحوه اداره آن‌ها، مسائل مربوط به تفکیک مالکیت از مدیریت در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم در سطح جهانی مطرح شد. موضوع حاکمیت شرکتی به‌شکل کنونی، نخست در دهه ۱۹۹۰ در انگلستان، آمریکا و کانادا در پاسخ به‌مشکلات ناشی از عدم اثربخشی هیئت‌مدیره در عملکرد شرکت‌های بزرگ مطرح شد. پس از بحران آسیا در سال ۱۹۹۷، نگاه‌ها برای نخستین‌بار به حاکمیت شرکتی در بانک‌ها معطوف شد به‌طوری که بانک‌ها و مؤسسات مالی در سراسر جهان –یکی پس از دیگری– به اهمیت بالای حاکمیت شرکتی پی بردند و بر اجرای اصول حاکمیت شرکتی در بانک‌ها تأکید کردند. حاکمیت شرکتی این اطمینان را پدید می‌آورد که مجموعه، سرمایه خود را به‌طور مؤثر به‌کار گرفته است. بانک‌ها در فرایند اصلی کسب‌وکار خود به‌طور فعال ریسک‌های متفاوتی را متحمل خواهند شد. برای مثال، اعطای تسهیلات تجاری به مشتریان در ذات خود با ریسک اعتباری مواجه است و پیوسته احتمال عدم بازپرداخت اصل و فرع تسهیلات اعطا شده به مشتریان به‌دلایل مختلف از قبیل درماندگی مالی وام‌گیرندگان وجود دارد. اگرچه بانک‌ها با تجزیه‌وتحلیل کیفیت اعتباری درخواست‌کنندگان وام و اخذ وثایق و تضامین کافی، سعی در حذف چنین ریسک‌هایی دارند، ولی این اقدامات هیچ‌گاه به‌طور کامل زیان‌های ناشی از ریسک را پوشش نخواهد داد. در نظام بانکداری، تعیین کفایت سرمایه براساس میزان سرمایه‌گذاری‌های ریسکی بانک‌ها در پورتفوی اعتبارات و سرمایه‌گذاری‌ها، خود به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف مدیران و سرپرستان بانک‌ها محسوب می‌شود. (ایمان‌زاده و همکاران: ۱۳۹۴) ایجاد و گسترش وابستگی‌های بین‌المللی در بسیاری از جنبه‌های سیاسی و اجتماعی، به‌ویژه در وضعیت جهانی شدن اقتصاد، باعث شده انگیزه‌های لازم به‌منظور یکپارچگی سیستم‌های بانکی و مالی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شود. به‌تبع آن، اهمیت مسائل حسابداری و مدیریت بانکی در مفهوم جهانی و درک آن بسیار ضروری شده است. در همین راستا، کنترل و بررسی مستمر اقلام کلیدی ترازنامه و ارزیابی مسائل مهم در ترازنامه نظیر نقدینگی، توان واریز بدهی‌ها و انعطاف‌پذیری مالی و همچنین تراکم، تنوع، زمانبندی و کیفیت دارایی‌ها و بدهی‌ها بسیار ضرورت دارد. (پهلوان‌زاده: ۱۳۸۶)

ریسک اعتباری از این واقعیت ریشه می‌گیرد که طرف قرارداد[1] نتواند یا نخواهد تعهداتش را انجام دهد. به‌شیوه سنتی، تأثیر این ریسک با هزینه ریالی ناشی از نکول[2] سنجیده می‌شود. زیان‌های

[1] Counterparty
[2] Default

ناشی از ریسک اعتباری ممکن است قبل از وقوع واقعی نکول از جانب طرف قرارداد، ایجاد شود. بنابراین، ریسک اعتباری را می‌توان به‌عنوان زیانی محتمل تعریف کرد که بر اثر یک رویداد اعتباری اتفاق می‌افتد. رویداد اعتباری زمانی واقع می‌شود که توانایی طرف قرارداد در ایفای تعهداتش تغییر کند. با این تعریف، تغییر ارزش بازار بدهی به‌خاطر تغییر رتبه‌بندی اعتباری (تغییر آگاهی بازار از توانایی طرف قرارداد نسبت به ایفای تعهداتش) را نیز می‌توان به‌عنوان ریسک اعتباری در نظر گرفت. (رادپور: ۱۳۹۰) وجود حاکمیت شرکتی و دارایی متناسب می‌تواند در تقویت سیستم بانکی باثبات مؤثر باشد. بنابراین، با توجه به مطالب ذکر شده، در این پژوهش به‌دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که: آیا حاکمیت شرکتی و دارایی در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تأثیری بر مدیریت ریسک اعتباری آن‌ها دارد یا خیر؟

مبانی نظری

حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی، مجموعه‌ای از روابط بین مدیریت، هیئت‌مدیره، سهامداران و سایر ذی‌نفعان است که در آن اهداف سازمان تبیین شده و ابزار لازم برای رسیدن به اهداف و نظارت بر عملکرد واحدها تعریف می‌شود. بدین‌ترتیب، سیستم بانکی می‌بایست به‌نحوی در این چهارچوب عمل کند تا در مسیر دستیابی به اهداف، ثبات آن نیز تحقق یابد. حاکمیت شرکتی قوی در بانک‌ها، آن‌ها را قادر می‌سازد که در تخصیص منابع بهینه، موفق‌تر عمل کنند و از اعطای تسهیلات پُرخطر جلوگیری و از بازپرداخت وجوه اعطایی اطمینان حاصل کنند. این ساختار، نحوه تفویض اختیار و چگونگی تصمیم‌گیری را تعیین می‌کند. به این ترتیب، شرکت‌ها منابع را با اثربخشی بیشتری به‌کار می‌گیرند. (مکرمی: ۱۳۸۵) با افزایش اثربخشی و نظارت بیشتر، از سویی، هزینه نمایندگی و کنترل شرکت بالا رفته و از سوی دیگر، امکان سوءاستفاده مدیر شرکت از منابع شرکت را به‌حداقل می‌رساند.

حاکمیت شرکتی را می‌توان شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی‌ای دانست که جهت حرکت و عملکرد شرکت را تعیین می‌کند. سازوکارهایی که در این صحنه حضور دارند عبارت است از: سهامداران و ساختار مالکیت آنان، اعضای هیئت‌مدیره و ترکیب آنان و سایر ذی‌نفعان که امکان اثرگذاری بر حرکت شرکت را دارند. آنچه در این میان بیشتر جلب توجه می‌کند، اعضای هیئت‌مدیره و ترکیب‌های آنان است. (عباس‌زاده و همکاران: ۱۳۹۰) در این پژوهش، سازوکارهای اصول راهبری

شرکتی شامل اندازه هیئت‌مدیره، درصد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و استقلال هیئت‌مدیره است.

الف- اندازه هیئت مدیره

یکی از ویژگی‌های هیئت‌مدیره که می‌تواند نقش مهمی در کارایی و اثربخشی هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت‌ها ایفا کند، اندازه هیئت‌مدیره است. (راندی و جنسن: ۲۰۰۴) دو دیدگاه متفاوت در مورد نقش اندازه هیئت‌مدیره در عملکرد شرکت‌ها وجود دارد. یکی از این دیدگاه‌ها بیان می‌کند که هر چه اندازه هیئت‌مدیره کوچک‌تر باشد، عملکرد شرکت بهبود می‌یابد. به بیان دیگر، هر چه تعداد هیئت‌مدیره کمتر باشد، کارایی آنان در بحث‌های پیش آمده بیشتر شده و بهتر می‌توانند در جهت اهداف شرکت گام بردارند. زیرا در هیئت‌مدیره‌های بزرگ‌تر ممکن است افرادی بدون تخصص وجود داشته باشند که کارایی هیئت‌مدیره را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (هرملن و ویسبک: ۲۰۰۳) دیدگاه دوم بیان می‌دارد که هیئت‌مدیره‌هایی با اندازه کوچک‌تر، احتمالاً از منافعی مانند دریافت نظرها و پیشنهادهای متنوع و تخصصی، بی‌بهره و محروم خواهند بود. به بیان دیگر، هر چه اندازه هیئت‌مدیره بزرگ‌تر باشد، احتمال حل مسائلی که شرکت در بازار رقابتی -به‌دلیل وجود نظرهای متنوع و بحث‌های بیشتر- با آن‌ها مواجه است، بیشتر خواهد بود. (دالتون: ۲۰۰۵)

ب- استقلال هیئت‌مدیره

اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره از طریق نظارت بر مدیران موظف، بر روی تصمیمات آنان نظارت دارند. در نتیجه، ترکیب هیئت‌مدیره می‌تواند بر عملکرد مالی شرکت‌ها اثرگذار باشد. در صورتی که اکثریت اعضای هیئت‌مدیره را مدیران مستقل غیرموظف تشکیل دهد، هیئت‌مدیره از کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود. تئوری نمایندگی برای افزایش استقلال هیئت‌مدیره از مدیریت، از این ایده پشتیبانی می‌کند که هیئت‌مدیره باید تحت اختیار مدیران بیرونی (غیراجرایی) باشد. زیرا رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت باید توسط مدیران غیراجرایی شرکت تحت کنترل و نظارت باشد و وجود چنین مدیرانی می‌تواند کیفیت تصمیمات مدیریت را تحت تأثیر قرار داده و راهکارهای مناسب برای بهبود عملکرد شرکت را در اختیار آنان قرار دهد. (مرادی و سعیدی: ۱۳۹۱)

ج- سهامداران نهادی و عمده

یکی از مهم‌ترین بازیگران نظام اصول حاکمیت شرکتی، سهامداران هستند، زیرا آن‌ها تأمین‌کنندگان سرمایه شرکت‌ها هستند و حفظ اعتماد آنان از اهمیت زیادی برخوردار است. سهامداران با انتخاب اعضای هیئت‌مدیره، به‌طور غیرمستقیم در تصمیم‌گیری‌های شرکت نقش ایفا می‌کنند و سهامداران

نهادی و عمده با توجه به این‌که قادر به انتخاب یک یا چند عضو هیئت‌مدیره هستند می‌توانند در کاهش هزینه‌ها مؤثر واقع شوند. مالکیت نهادی، درصد سهام نگهداری شده نزد صندوق‌های بازنشستگی، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، سازمان تأمین اجتماعی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی است. سهامداران نهادی می‌توانند نقش مهمی در نظارت بر مدیران ایفا کنند. وجود سهامداران عمده می‌تواند میزان نظارت را افزایش یا آن را بهبود بخشد و بنابراین به عملکرد بهتر مؤسسه منجر می‌شود. مالکان نهادی علاوه بر انگیزه، تخصص و منابع لازم را جهت نظارت دارا هستند. علاوه بر نقش نظارتی سهامداران نهادی، نقش بالقوه دیگر آن‌ها، فراهم آوردن فرایندی معتبر برای انتقال اطلاعات به بازارهای مالی یا به بیان دیگر، به سایر سهامداران است. در واقع، اصول راهبری شرکتی با سازوکارهای برون‌سازمانیِ سرمایه‌گذاران نهادی و درون‌سازمانی (مشخصه‌های هیئت‌مدیره) می‌تواند به اعمال مدیریت خوب، افزایش اعتماد سهامداران و در نتیجه، به‌کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی منجر شود. (نمازی، حلاج و ابراهیمی: ۱۳۸۸)

نظریه ریسک

ریسک، نوعی عدم‌اطمینان به آینده است که قابلیت محاسبه را داشته باشد. (ویلیامز، چستر آرتور و هاینز ریچارد: ۱۳۸۲، ص. ۳۲) اگر نتوان میزان عدم‌اطمینان به آینده را محاسبه کرد، ریسک نیست، بلکه فقط عدم‌اطمینان است. به‌همین جهت، به‌دلیل محاسبه مقداری عدم‌اطمینان در قالب ریسک، می‌توان آن را مدیریت و کنترل کرد. ریسک در زبان چینیان نیز با دو علامت تعریف می‌شود که اولی به‌معنی خطر و دومی به مفهوم فرصت است. (راعی و سعیدی: ۴۶)

مفهوم ریسک از اوایل قرن حاضر وارد ادبیات مدیریت مالی گشته است. چرخه عمر این مفهوم از سطح مبانی نظری شروع شده و سپس به سطح ارایه الگوهای فکری متفاوت از ریسک رسید. پس از سیر این دو مرحله، از سطوح تحلیل‌های ذهنی، به تحلیل‌های عینی رسیده و با بهره‌گیری از آمار و ریاضی به‌اندازه‌گیری ریسک به‌صورت کمّی منتهی شده است. (بقایی حسین‌آبادی: ۱۳۸۰، ص. ۴۴)

به‌طور کلی، مدیریت ریسک، فرایند سنجش یا ارزیابی ریسک و سپس، طرح استراتژی‌هایی برای اداره ریسک است. (اصلی: ۱۳۹۰) در مجموع، استراتژی‌های به‌کار رفته در بانک‌ها و مؤسسات مالی شامل انتقال ریسک، اجتناب از ریسک، کاهش آثار منفی ریسک و پذیرش قسمت یا تمامیِ پیامدهای یک ریسک خاص است. بدیهی است، مدیریت ریسک با استفاده از نگرش هیئت‌مدیره و مدیران، به سازمان‌ها و مؤسسات کمک می‌کند تا با جایگزین کردن یک استراتژی جامع به‌جای روش‌های منفرد و

یکجانبه در مقابل ریسک‌ها، نحوه اداره مؤثر و مقرون به‌صرفه آن‌ها را یافته و به‌اجرا بگذارد. (حاجی‌آقایی: ۱۳۸۶)

ریسک اعتباری

ریسک اعتباری، احتمال وقوع زیان ناشی از عدم بازپرداخت یا بازپرداختِ با تأخیر اصل یا سود تسهیلات از سوی مشتری تعریف می‌شود. ریسک اعتباری از آن جهت در نهادهای پولی حائز اهمیت است که منابع به‌کار گرفته شده برای تخصیص، در حقیقت بدهی نهاد پولی به سهامداران، مردم و بانک‌هاست که در صورت عدم گردش، هم می‌تواند اعتباردهی و هم قدرت تأدیه بدهی نهاد پولی به‌عنوان تسهیلات‌دهنده را تضعیف کند. (مکرمی: ۱۳۹۶) اما در اقتصاد ایران، نتایج حاصل از پرداخت بسیاری از تسهیلات می‌تواند غیرقابل پیش‌بینی باشد و تحت تأثیر موقعیت ایجاد شده، تغییر کند. بنابراین، یک سرمایه‌گذار برای سرمایه‌گذاری –هر چند کوچک– براساس تجارب گذشته تا حد ممکن جایی برای این تغییرات یا ریسک می‌گذارد. ولی بعضی مواقع تمامی اوضاع اقتصاد براساس انتظارات سرمایه‌گذار تحقق نمی‌یابد و این عامل منجر می‌شود تا در اثنای کار، با وضعیتی روبه‌رو شود که شاید کوچک‌ترین پیش‌بینی از آن نداشته و از این‌رو دیگر قادر نخواهد بود به تعهدات خود عمل کند و از دید بانک نیز مشتری تلقی خواهد شد که به تعهدات خود عمل نمی‌کند و بانک را در دریافت منابع داده شده با مشکل و در مواقعی با زیان مواجه می‌سازد. (مکرمی: ۱۳۹۶)

هرگونه قصوری که در بازپرداخت تسهیلات صورت گیرد از ارزش دارایی‌های بانک کاسته و ممکن است بانک را در ایفای تعهداتش دچار مشکل سازد. از سوی دیگر میزان سودآوری را نیز کاهش دهد و به این ترتیب بانک به پیش‌بینی‌های اولیه خود دست نیابد و متعاقباً نتواند به سهامداران و سپرده‌گذاران خود سودهای مورد انتظار آنان را پرداخت نماید و این اتفاق تأثیر مستقیم در موقعیت بانک، سهامداران و سپرده‌گذاران خواهد داشت.

پیشینه تحقیق

پیشینه خارجی

– دجبالی و زقدودی (۲۰۱۹) ابتدا تأثیر حاکمیت بانکی بر ریسک اعتباری را بررسی می‌کنند. دوم، رابطه بین مکانیسم‌های حاکمیت بانک و ریسک را آزمایش می‌کنند. در این مقاله، ادبیات مربوط به دو حوزه حکمرانی، اول، ساختار مالکیت و ویژگی‌های هیئت‌مدیره و دوم، تأثیر آن‌ها بر ریسک‌های

بانکی ترکیب شده است. برای دستیابی به این هدف، از نمونه‌ای از ۱۰ بانک تونس (مشاهده شده در دوره ۲۰۱۵–۱۹۹۸) استفاده شده است. رویکرد اقتصادسنجی مورد استفاده در این مطالعه براساس هر دو مدل تأثیرات ثابت و اتفاقی تحلیل داده‌های تابلویی است. نتایج بررسی آن‌ها نشان داد که ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی به‌طور مستقیم با مکانیسم‌های حاکمیتی بانک مرتبط هستند.

- ابوالسود (۲۰۱۷) با استفاده از مدل (SLS2) به بررسی ساختار حاکمیت شرکت و کفایت سرمایه و پیامدهای ریسک‌پذیری بانک پرداخت و به این نتیجه رسید که بانک‌هایی که دارای مالکیت و مدیریت بیشتر و هیئت‌مدیره کوچک‌تر هستند، ریسک سرمایه‌گذاری کمتری دارند و بانک‌های دارای طرز حکومت خوب، می‌کوشند خود را در وضعیتی با ریسک پایین نگه دارند و حتی در موقعیت بحران مالی، با نگهداری نسبت‌های سرمایه بالا، ریسک خود را پایین نگه می‌دارند. همچنین، این تحقیق، ارتباط منفی میان سرمایه به دارایی و ریسک اعتباری را نشان داد.
- اولاویل (۲۰۱۴) اثر ریسک اعتباری بر عملکرد بانک‌های تجاری را در نیجریه مورد مطالعه قرار داد. وی برای این کار، داده‌های ثانویه بانک‌ها را مورد بررسی قرار داد. در این راستا از روشِ خود رگرسیون‌برداری داده‌های تابلویی استفاده شده است. داده‌های ثانویه از گزارش سالانه، ادبیات مربوط و انتشار بولتن آماری (CBN) به‌دست آورده شد. نتیجه تحقیق نشان داد که بین عملکرد بانک (از نظر سوددهی) و مدیریت ریسک اعتباری (از نظر عملکرد وام)، رابطه معناداری وجود دارد.
- کاسترو (۲۰۱۳) مطالعه‌ای با عنوان «عوامل اقتصاد کلان ریسک اعتباری در سیستم بانکی: مورد (GIPS)» انجام داد. در این مطالعه، با استفاده از رویکردهای داده‌های پنل، رابطه میان پیشرفت‌های اقتصادکلان و ریسک اعتباری بانکی در کشورهای یونان، ایرلند، پرتغال، اسپانیا و ایتالیا –که اخیراً تحت تأثیر اوضاع نامطلوب اقتصادی و مالی قرار گرفته‌اند– مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که تمام معیارهای سیاسی که می‌تواند برای ترویج رشد، اشتغال، بهره‌وری و رقابت و به‌منظور کاهش بدهی‌های عمومی و خارجی در این کشورها اجرا شوند، برای ایجاد ثبات در اقتصاد خود بسیار ضروری هستند.
- داسیلوا و همکاران (۲۰۱۳) مطالعه‌ای با عنوان «نقش قوانین بانکی در یک اقتصاد تحت ریسک اعتباری و شوک نقدینگی» در برزیل و مبتنی بر روش داده‌های پنل انجام دادند. نتایج این مطالعه نشان داد کـه ریسک اعتباری، دوره‌ای است و ریسک پیش‌فرض به‌ویژگی‌های ساختاری بستگی دارد. بر این اساس، سیاستگذاران بانکی می‌توانند با تنظیم سیاست‌هایی برای ارتقای ثبات مالی و کارایی، نوسانات خروجی را کاهش دهند.

- کوکی و همکاران (۲۰۱۱) با استفاده از مدل رگرسیون خطی، نقش حاکمیت شرکتی را در محدود کردن مدیریت سود با استفاده از روش داده‌های پنل مورد بررسی قرار دادند. پژوهش آن‌ها که بر روی ۱۷۱ شرکت آمریکایی طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵ انجام پذیرفت، نشان‌دهنده آن است که کمیته حسابرسی و تفکیک وظایف رئیس هیئت‌مدیره از مدیرعامل، در کاهش سطح مدیریت سود، تأثیر بسزایی دارد.
- ازینه (۲۰۱۱) در تحقیق خود از روش رگرسیون چندگانه برای اندازه‌گیری کیفیت سود با استفاده از چهارچوب مفهومی هیئت استانداردهای حسابداری مالی (FASB) به‌عنوان پایه استفاده کرده و به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد قیمت سهام در کشور عربستان سعودی پرداخته است. نتایج تحقیق بیان‌کننده نقش روشن مدیران غیرموظف در کنترل و نظارت بر مدیریت است. ازینه، همچنین بیان می‌کند که اندازه شرکت و ساختار رهبری شرکت با عملکرد قیمت سهام، رابطه معکوس دارند. این تحقیق رابطه معناداری بین مدیران غیراجرایی و عملکرد شرکت نیافته است.
- علیشاه و همکاران (۲۰۰۹) پژوهشی را با عنوان «حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های لیست شده پاکستانی» انجام دادند. آن‌ها با استفاده از مدل تعدیل‌شده جونز، اقلام تعهدی اختیاری را محاسبه کردند و با آزمون فرضیه‌ها به روش رگرسیونی به این نتیجه رسیدند که کیفیت حاکمیت شرکتی به‌طور مثبت با مدیریت سود ارتباط دارد. یکی ازدلایل این نتیجه، افشای شیوه‌های حاکمیت شرکتی ارایه شده توسط شرکت‌ها بیان شده است.
- کارل یو و سیواراماکریشنان (۲۰۰۸) به بررسی موضوعی با عنوان «رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود» پرداخته‌اند. این تحقیق به بررسی این موضوع پرداخته که آیا معیارهای ارزیابی کیفیت سود همچون کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود و قابلیت پیش‌بینی با حاکمیت شرکتی تحت تأثیر قرار می‌گیرند یا خیر. برای بررسی حاکمیت شرکتی مطلوب از شاخص گامپرز استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی کافی (مؤثر) دارند، دارای کیفیت گزارشگری سود بیشتری هستند. دوم این‌که، شرکت‌های دارای حاکمیت کافی (مؤثر)، با فرض سطح یکسان از قدرت حاکمیت شرکتی، به کیفیت اقلام تعهدی، پایداری و توانایی پیش‌بینی سود بالا گرایش دارند. بنابراین، روی هم رفته در این تحقیق بیان می‌شود که کفایت حاکمیت شرکتی یک عامل تعیین‌کننده مهمِ کیفیت سود است.
- طبق پژوهش انجام شده توسط چی (۲۰۰۵)، امکان سه رابطه علت و معلولی بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت وجود دارد. امکان اول نشان‌دهنده این است که رابطه مستقیم و یکطرفه

بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت وجود دارد، مبنی بر این‌که کیفیت حاکمیت باعث بهبود عملکرد شرکت می‌شود. در حالت دوم، این امکان دوسویه می‌شود. به این ترتیب، کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد، هر دو بر هم اثرگذارند. حالت سوم حاکی از آن است که کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد به‌طور مستقیم بر هم اثرگذار نیستند، بلکه از طریق دخالت متغیر سومی به‌نام سهامداران نهادی، بر هم اثرمی‌گذارند.

پیشینه داخلی

- سلگی (۱۳۹۷) با استفاده از رویکرد کمّی و با بهره‌گیری از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کفایت سرمایه و نسبت پوشش هزینه سپرده به‌عنوان شاخص‌های ریسک در ایران می‌پردازد. نتایج حاصله بیان‌کننده رابطه غیرخطی بین تمرکز مالکیت و شاخص‌های ریسک است و از تئوری حاکمیت شرکتی پشتیبانی می‌کند. سهامداران در مقایسه با مدیران و سپرده‌گذاران تمایل بیشتری برای افزایش ریسک دارند.
- زراءنژاد و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر توسعه مالی و سیکل‌های تجاری بر ریسک اعتباری بانک‌ها در ایران پرداختند. نمونه مورد بررسی، ۱۷ بانک ایرانی طی دوره زمانی ۹۴-۱۳۸۴ و مدل استفاده شده، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) است. نتایج این تحقیق نشان داد که توسعه مالی، چرخه‌های تجاری و نسبت نقدینگی، بر ریسک اعتباری بانکی اثر منفی دارد. حال آنکه متغیرهای درجه باز بودن تجاری و اهرم مالی بر ریسک اعتباری بانکی اثر مثبت دارند. با توجه به نتایج به‌دست آمده، کنترل عوامل تأثیرگذار بر ریسک اعتباری بانکی به‌منظور جلوگیری از بروز بحران بانکی و ثبات نظام بانکی توصیه می‌شود.
- میرعسکری و همکاران (۱۳۹۶) با استفاده از روش رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های تابلویی به‌بررسی ارتباط بین متغیرهای کلان اقتصادی و ریسک اعتباری بانک‌های ایران پرداختند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که ریسک اعتباری بانک‌ها به‌طور معناداری از محیط کلان اقتصادی تأثیر می‌گیرد، به‌طوری که با افزایش تولید ناخالص داخلی، رشد شاخص کل بورس اوراق بهادار و افزایش تورم ریسک اعتباری بانک‌ها کاهش می‌یابد.
- نظریان و همکاران (۱۳۹۵) با استفاده از روش رگرسیون مبتنی بر داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر مدیریت ریسک اعتباری و شاخص کفایت سرمایه بر کارایی بانک‌های منتخب خصوصی و دولتی ایران پرداختند. تخمین الگوی کارایی بانک‌های منتخب در ایران نشان می‌دهد که تأثیر متغیر

ریسک اعتباری بر میزان کارایی بانک‌ها منفی و از لحاظ آماری معنی‌دار است که این به‌معنای تأیید فرضیه اول تحقیق است. تأثیر متغیر شاخص کفایت سرمایه بر میزان کارایی بانک‌های منتخب تحقیق مثبت، ولی از لحاظ آماری معنادار نیست و این به‌معنای رد فرضیه دوم تحقیق است. همچنین، تأثیر جذب منابع بانکی بر میزان کارایی بانک‌های منتخب تحقیق مثبت و معنی‌دار است.

- شورورزی و همکاران (۱۳۹۳) بر مبنای رگرسیون فازی به بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که بین وجود اعضای غیرموظف در هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت رابطه معناداری برقرار است و بین نقش دوگانه مدیرعامل و عملکرد شرکت ارتباطی وجود ندارد. در نتیجه، توجه ویژه به سازوکارهای حاکمیت شرکتی در راستای بهبود عملکرد شرکت مورد تأکید است.
- محمودوند و محمدی (۱۳۹۲) براساس شاخص هرفیندال- هیرشمن به بررسی کفایت سرمایه در قبال خطر عدم وصول تسهیلات در بانک‌ها و مؤسسات مالی پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که برای جلوگیری از سوخت شدن مطالبات بانکی باید راهکارهایی همچون موارد زیر ارایه شود:

۱- ارایه راهکارهایی برای اندازه‌گیری ریسک اعتباری و روش‌هایی برای بررسی کفایت سرمایه بانک در مواجهه با وضعیت بحرانی ناشی از عدم‌پرداخت وام‌ها؛

۲- تشخیص بخش‌هایی از پرتفوی وام‌ها که در آن تمرکز ریسک وجود دارد؛

۳- تحلیل وام‌های فردی و مشخص کردن وام‌هایی که با توجه به‌میزان سرمایه بانک، خارج از محدوده وام‌گیرنده فردی توسط مدل تعیین شده است.

- ایزدی‌نیا و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و هموارسازی سود و نقدینگی سهام در بین شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران» دریافتند که رابطه مثبت و معنادار بین حاکمیت شرکتی و هموارسازی سود وجود دارد. همچنین، میان هموارسازی سود و نقدشوندگی سهام رابطه منفی و معناداری وجود دارد. برای آزمون فرضیه‌ها از تجزیه‌وتحلیل رگرسیون چندمتغیره با داده‌های تابلویی استفاده شده است. در این تحقیق از معیارهای درصد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره و درصد سهامداران نهادی برای سازوکار حاکمیت شرکتی استفاده شده است.
- سعادتی و همکاران (۱۳۹۱) با بررسی توان متغیرهای حاکمیت شرکت و محافظه‌کاری در پیش‌بینی عملکرد مالی، دریافته‌اند که شاخص محافظه‌کاری در کنار نسبت‌های مالی، همبستگی معناداری با عملکرد شرکت داشته و در تفکیک شرکت‌های با عملکرد ضعیف و قوی، نقش معناداری دارد. در حالی که متغیرهای حاکمیت شرکتی تأثیر معناداری در تفکیک شرکت‌های با عملکرد ضعیف و

قوی ندارد و نمی‌تواند برای بهبود صحت مدل پیش‌بینی عملکرد شرکت مورد استفاده قرار گیرد. به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، تکنیک تحلیلی تشخیصی مورد استفاده قرار گرفته است. در مجموع، مدل ارایه شده برای پیش‌بینی عملکرد، ۸۰ درصد از طبقه‌بندی شرکت‌ها به دو گروه ضعیف و قوی را به‌درستی پیش‌بینی می‌کند.

- حساس‌یگانه و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. بدین‌منظور، اطلاعات یکساله ۹۰ شرکت مورد بررسی قرار گرفت و با استفاده از روش رگرسیون، فرضیه‌های پژوهش آزمون شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که هیچ‌گونه رابطه معناداری بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت وجود ندارد.
- فعلی (۱۳۸۷) در بررسی خود تحت عنوان «بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و ارزش شرکت»، هدف پژوهش را بررسی نقش سهامداران نهادی و درصد مدیران غیرموظف بر ارزش شرکت در اطلاعات چهارساله ۹۷ شرکت بیان کرد. نتایج نشان داد با توجه به آنکه میزان مالکیت نهادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار زیاد است، رابطه معناداری بین سهامداران نهادی و ارزش شرکت وجود ندارد. همچنین، با توجه به این‌که در کلیه شرکت‌های نمونه حداقل یک عضو غیرموظف در هیئت‌مدیره وجود دارد، رابطه معناداری بین وجود مدیران غیرموظف و ارزش شرکت وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

۱- سهامداران نهادی بر ریسک اعتباری بانک‌ها تأثیرگذار است.
۲- استقلال هیئت‌مدیره بر ریسک اعتباری بانک‌ها تأثیرگذار است.
۳- اندازه هیئت‌مدیره بر ریسک اعتباری بانک‌ها تأثیرگذار است.
۴- اندازه بانک بر ریسک اعتباری بانک‌ها تأثیرگذار است.
۵- نسبت سرمایه به‌دارایی بر ریسک اعتباری تأثیرگذار است.
۶- میزان رشد بازده دارایی‌ها بر ریسک اعتباری بانک‌ها تأثیرگذار است.
۷- نسبت تسهیلات بر ریسک اعتباری بانک‌ها تأثیرگذار است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش

در این تحقیق برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و برای تجزیه‌وتحلیل مدل از پنل دیتا داده‌های ترکیبی (رگرسیون تأثیرات ثابت) استفاده می‌شود. در این تحقیق از ظرفیت سهامداران نهادی با رویکرد استفاده از برآورد الگو به‌روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (EGLS) به‌جای مدل به‌کار گرفته شده (GLS) استفاده شده که لحاظ آخرین مباحث دستورالعمل‌های مربوط به کفایت سرمایه در کمیته بال از برتری‌های این تحقیق به‌شمار می‌رود. همچنین، آزمون مانایی برای بررسی وجود یا عدم وجود ریشه واحد در متغیرها، مورد آزمون قرار گرفته است. آزمون‌های (F) لیمر و هاسمن به‌منظور تشخیص صحت مدل برآوردی آزمون‌های ضریب تعیین، (f) مدل، دوربین- واتسون، ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی گزارش می‌شود.

جامعه و نمونه آماری و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰ است. در این راستا، به‌منظور همگنی بانک‌های مورد بررسی، فیلترهای زیر برای انتخاب بانک‌ها ارایه می‌شود:

۱- در طول دوره پژوهش، در دوره مالی تغییر نداشته باشند؛

۲- جزء بانک‌های فعال در بورس (حداقل در طول هر شش ماه یک روز معاملاتی داشته باشد) باشند؛

۳- دوره مالی آن‌ها به ۱۲/۲۹ هر سال منتهی باشد تا بتوان داده‌ها را در کنار یکدیگر و در صورت نیاز، به‌صورت پنلی به‌کار برد؛ و

۴- تا سال ۱۴۰۰، بورس اوراق بهادار تهران فعال بوده باشد.

مدل تحقیق به‌قرار زیر است:

$$Risktaking_{it}=\beta_1+\beta_2 BLOCK_{it}+\beta_3 MANAGER_{it}+\beta_4 BS_{it}+\beta_5 OUT_{it}+\beta_6 CAP_{it}+\beta_7 SIZE_{it}+\beta_8 GROA_{it}+\beta_9 LTD_{it}+\varepsilon_{it}$$

متغیرهای وابسته

ریسک اعتباری ($Risktaking_{it}$): براساس استانداردهای موجود، زمانی که یک دارایی بانک در طبقه غیرجاری قرار گرفت، بانک نه تنها نمی‌تواند سود متعلقه به آن مطالبات را در درآمد خود منظور کند، بلکه ملزم خواهد بود بخشی از درآمد جاری خود را برای پوشش زیان ناشی از وصول نشدن کامل مطالبات خود با عنوان «هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول» کنار بگذارد. به‌منظور سنجش متغیر بیان‌شده، هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول بر کل تسهیلات تقسیم می‌شود.

متغیرهای مستقل

BS_{it}: اندازه هیئت‌مدیره که از لگاریتم تعداد اعضای هیئت‌مدیره به‌دست می‌آید.

$MANAGER_{it}$: دوگانگی مسئولیت مدیرعامل که متغیر مجازی با ارزش صفر و یک است. در صورتی که مدیرعامل، رئیس یا نایب‌رئیس هیئت‌مدیره باشد، عدد صفر و در غیر این صورت، یک را اختصاص خواهیم داد.

OUT_{it}: استقلال هیئت‌مدیره عبارت است از: درصدی از اعضای هیئت‌مدیره که سمت اجرایی ندارند و از نسبت تعداد اعضای هیئت‌مدیره غیرموظف بر کل اعضای هیئت‌مدیره به‌دست می‌آید.

$BLOCK_{it}$: درصد سهامداران نهادی که بیان‌کننده میزان سهام در دست سهامداران نهادی به کل سهام شرکت است. سهامدار نهادی شامل سهامدار حقوقی است مانند هلدینگ‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها، شرکت‌های دولتی و نیمه‌دولتی و ... و سهامدارانی که بیش از ۵ درصد سهام شرکت را در اختیار دارند.

CAP_{it}: کفایت سرمایه که از نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی‌های موزون شده به ریسک بانک براساس ماده مطرح شده در بانک مرکزی به‌دست خواهد آمد.

متغیرهای کنترلی

- اندازه بانک ($size_{it}$): لگاریتم طبیعی ارزش بازاری سهام شرکت
- میزان رشد ($groa_{it}$): میزان رشد بازده دارایی‌های بانک (بازده دارایی: نسبت سود خالص به ارزش دفتری کل دارایی‌ها)
- نسبت تسهیلات (LTD_{it}): نسبت تسهیلات به کل سپرده‌ها

بررسی فرضیه‌ها

در این بخش برای بررسی و برآورد مدل کلی از تحلیل پنلی[1] استفاده شده است. دلیل استفاده از این روش به‌علت نوع ماهیت داده‌هاست. زیرا در تحلیل پنلی، داده‌ها به‌صورت مقطعی- زمانی[2] گردآوری شده‌اند. در داده‌هایی که به این صورت جمع‌آوری می‌شوند، استقلال مشاهدات حفظ نمی‌شود. زیرا از هر شرکت در سال‌های مختلف چندین مشاهده وجود دارد که این مشاهدات به‌هم وابسته‌اند. به‌بیان دیگر، در این تحلیل تعداد داده‌ها عبارت است از: تعداد شرکت‌ها ضربدر تعداد سال‌ها.

آزمون تشخیص مدل

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، برای تأمین فروض کلاسیک، ابتدا باید وجود ناهمسانی واریانس را در پسماندهای مدل بررسی کرد. نتایج آزمون به قرار زیر است:

جدول شماره ۱: آزمون ناهمسانی واریانس

مدل	آماره	مقدار	احتمال	نتیجه
۱	آزمون (LR) (کای‌دو)	۹۹۸	۰/۰۰۱	واریانس ناهمسانی

در این آزمون فرضیه‌ها به قرار زیر هستند:

- فرض صفر: همسانی واریانس
- فرض مخالف: ناهمسانی واریانس.

با توجه به یافته‌های جدول شماره (۱) به‌دلیل کمتر بودن ارزش احتمال از مقدار ۵ درصد، سطح خطا فرض صفر تأیید نشده و همسانی واریانس در مدل تأیید نمی‌شود. شایان ذکر است، در صورت روبه‌رو شدن با ناهمسانی واریانس، از روش حداقل مربّعات تعمیم‌یافته (EGLS) استفاده خواهد شد. از این‌رو، برای برآورد مدل‌های تحقیق نیز رگرسیون حداقل مربعات تعمیم‌یافته برآورد شده است.

[1] Panel Analysis
[2] Cross section-time series

آزمون خودهمبستگی

از دیگر آزمون‌های مهم قبل از تخمین رگرسیون، درک خودهمبستگی و عدم آن بین جملات خطاست. برای آزمون خودهمبستگی برای داده‌های پنل از آزمون ولدریج استفاده می‌شود.

جدول شماره ۲: آزمون خودهمبستگی

مدل	آماره	آماره F	احتمال	نتیجه
۱	آزمون ولدریج	۵/۲۳	۰/۱۷	عدم‌خودهمبستگی

آزمون براساس فروض زیر صورت می‌گیرد:

- فرض صفر: خودهمبستگی وجود ندارد.
- فرض مخالف: خودهمبستگی وجود دارد.

با توجه به این‌که نتایج تخمین سطح خطا بیشتر از ۵ درصد بوده، پس فرض صفر رد نشده و وجود خودهمبستگی بین جملات اخلال رد می‌شود.

با توجه به فرض ثابت بودن ضرایب متغیرها، آیا عرض از مبدأ در تمامی سال‌ها ثابت است یا خیر. برای آزمون فرضیه بالا از آماره چاو استفاده می‌شود. نتایج این آزمون در جدول زیر خلاصه شده است. در صورتی که مقدار (P-Value) کمتر از ۵ درصد باشد از روش پنل برای برآورد استفاده می‌شود.

جدول شماره ۳: آزمون تشخیص مدل (آزمون F لیمر)

مدل	آماره F	ارزش احتمال	نتیجه‌گیری	مدل مورد استفاده
۱	۳/۹۷	۰/۰۰۱	عرض از مبدأها با هم برابر نیستند	Panel

همان‌طور که مشاهده می‌شود، با توجه به این‌که در مدل‌های تحقیق، مقادیر (P-Value) کمتر از ۵ درصد است، فرضیه صفر مبنی بر برابری عرض از مبدأها رد شده و برای آزمون فرضیات از روش (Panel) استفاده می‌شود. حال می‌بایست در مدل (Panel)، مدل تأثیرات ثابت در مقابل مدل تأثیرات اتفاقی آزمون شود. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. به‌بیان دیگر، پاسخ به این پرسش‌ها که با فرض ثابت بودن ضرایب مربوط به متغیرها، آیا عرض از مبدأ برای مقاطع مختلف ثابت است؟ آیا تفاوت در عرض از مبدأ واحدهای مقطعی به‌طور ثابت عمل می‌کند؟ یا این‌که عملکردهای اتفاقی می‌توانند این اختلاف بین مقاطع را به‌طور واضح‌تری بیان کنند؟ به‌ترتیب این دو روش در

ادبیات داده‌های تلفیقی به روش‌های ثابت و تأثیرات اتفاقی مشهورند که در ادامه، روش‌های ذکر شده، به اختصار مورد بحث قرار می‌گیرد.

جدول شماره ٤: آزمون انتخاب آزمون تأثیرات ثابت و اتفاقی

شماره مدل	آماره هاسمن	درجه آزادی	مقدار P-Value	نتیجه‌گیری
۱	۱۳	۸	۰/۰۴۵	اثر ثابت

همان‌گونه که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود، آماره هاسمنِ محاسبه شده برای مدل اول و دوم کوچک‌تر از کای‌دو با درجه آزادی ۸ (تعداد متغیرهای مستقل و کنترل در مدل) بوده و مقدار (P-Value) آن‌ها نیز کمتر از ۵ درصد است. بنابراین، فرضیه صفر در این مدل رد شده و از روش تأثیرات ثابت برای برازش مدل‌ها استفاده می‌شود.

برآورد مدل تحقیق

مدل اولِ تحقیق دربرگیرنده فرضیه‌های پنجگانه تحقیق است و به‌دنبال بررسی تأثیر کفایت سرمایه و حاکمیت شرکتی بر ریسک اعتباری بانک‌هاست. (مطالبات مشکوک‌الوصول) نتایج آزمون رگرسیون در جدول شماره (۵) به‌صورت خلاصه ذکر شده است.

جدول شماره ٥: برآورد مدل تحقیق با متغیر وابسته ریسک اعتباری

متغیرهای توضیحی	ضرایب	مقادیر آماره t	مقادیر P-Value	نتیجه‌گیری
$Risktaking_{it}=\beta_1+\beta_2 BLOCK_{it}+\beta_3 MANAGER_{it}+\beta_4 BS_{it}+\beta_5 OUT_{it}+\beta_6 CAP_{it}+\beta_7 SIZE_{it}+\beta_8 GROA_{it}+\beta_9 LTD_{it}+\varepsilon_{it}$				
مقدار ثابت	۰/۰۴۱۳۷۲	۱۵/۲۳۵۱۲	۰/۰۰۰۱	معنادار – مثبت
دوگانگی مدیرعامل	۰/۱۴۵۶۳۷	۹/۵۹۶۷۷۷	۰/۰۰۰۱	معنادار – مثبت
اندازه هیئت‌مدیره	۰/۰۴۳۱۸۸	۶/۴۹۶۳۶۰	۰/۰۰۰۱	معنادار – مثبت
استقلال هیئت‌مدیره	-۰/۰۰۳۲۲۷	-۱/۸۷۴۸۳۷	۰/۰۳۳۴	معنادار – منفی
سهامداران نهادی	-۰/۰۰۳۶۱۸	-۳/۳۳۸۹۱۶	۰/۰۰۰۹	معنادار – منفی
نسبت سرمایه به دارایی	-۰/۰۱۹۲۰۵	-۱/۷۷۱۲۰۶	۰/۰۴۶۹	معنادار – منفی
اندازه بانک	۰/۰۱۸۳۳۵	۱۳/۲۶۰۲۷	۰/۰۰۰۱	معنادار – مثبت
بازده دارایی‌ها	-۰/۰۵۴۳۲۶	-۴/۱۷۹۲۲۰	۰/۰۰۰۱	معنادار – منفی
نسبت تسهیلات به سپرده	۰/۰۲۷۶۸۵	۸/۱۲۳۵۲۰	۰/۰۰۰۰	معنادار – مثبت
			آزمون دوربین–واتسون	۲/۰۸
مقادیر P-Value		۰/۰۰۰۱	مقادیر ضریب تعیین R^2	۰/۷۸
نتیجه کفایت مدل	با توجه به مقادیر آزمون F و مقدار P-Value کمتر از ۵ درصد، رابطه معنادار است.			

با توجه به جدول شماره (۵)، میزان (P-Value) برای متغیرهای دوگانگی مدیرعامل و اندازه هیئت‌مدیره برابر با ۰/۰۰۰۱ است. از آنجا که این رقم کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت که متغیرهای مذکور در سطح خطای ۵ درصد، رابطه معناداری با ریسک اعتباری دارند. از طرفی، با توجه به این‌که علامت ضرایب به‌دست آمده برای متغیرهای دوگانگی مدیرعامل و اندازه هیئت‌مدیره، مثبت است، این متغیرها رابطه مثبتی با ذخیره مطالبات دارند. این در صورتی است که متغیرهای سهامداران نهادی، استقلال هیئت‌مدیره و کفایت سرمایه تأثیر منفی و معنادار بر ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول دارد. از سوی دیگر، اندازه بانک و نسبت تسهیلات، تأثیر مثبتی بر ریسک اعتباری دارد. این در صورتی است که بازده دارایی‌ها، تأثیر منفی و معناداری بر ریسک اعتباری دارد.

در مدل مقدار احتمال F(P-Value) برابر با ۰/۰۰۰۱ است. چون این مقادیر کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. یعنی مدل معناداری وجود دارد و بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه خطی برقرار است.

ضریب تعیین در مدل تقریباً ۰/۷۸ است. این ضریب بیان‌کننده این است که متغیرهای مستقل و کنترل در این مدل توانایی توجیه بیش از ۷۸ درصد از عوامل تأثیرگذار بر ریسک اعتباری را دارند.

یکی از آزمون‌های کفایت و درستی مدل، بررسی عدم وجود خودهمبستگی بین باقیمانده‌های مدل است. خودهمبستگی سبب می‌شود مقادیر t در مدل بیش از حد بزرگ شود و در نتیجه، ضرایب، به اشتباه معنی‌دار شده که سبب تفسیر نادرست ضرایب و احتمال رخ دادن خطای نوع دوم می‌شود. برای بررسی عدم وجود خودهمبستگی از آزمون دوربین- واتسون استفاده می‌شود که می‌بایست بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد. در این مدل مقدار آماره دوربین-واتسون در مدل بالا برابر ۲/۰۸ است که مقادیر نزدیک به ۲ حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین باقیمانده‌های مدل است.

یکی دیگر از روش‌های کفایت مدل، بررسی نرمال بودن خطاهای مدل رگرسیون است. طبق این فرض، خطاهای معادله رگرسیون باید توزیع نرمال داشته باشند. نمودارهای زیر به‌ترتیب بیان‌کننده نرمال بودن مقادیر خطاها در مدل است.

نتایج آزمون تحلیل واریانس به روش آزمون آنوا انجام گرفته شده است. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، در صورتی که ارزش احتمال کمتر از ۵ درصد باشد، بین میانگین متغیرهای مستقل (انعطاف‌پذیری مالی، نسبت کیو توبین و بازده حقوق صاحبان سهام) تفاوت معناداری وجود داشته و نیاز به استانداردسازی متغیرهاست.

جدول شماره ٦: تحلیل واریانس

روش	آماره F	احتمال	نتیجه
Anova F-test	۴۸۴۲	۰/۰۰	نیاز به استانداردسازی

با توجه به نتایج جدول شماره (۶)، استانداردسازی صورت می‌گیرد. متغیرهای مستقل با استفاده از فرمول زیر استاندارد شده است:

$$X'_{it}=\frac{X_{it}-\mu}{\sigma}$$

در این رابطه، x متغیر مستقل بوده و μ و σ به‌ترتیب میانگین و انحراف معیار هستند. حال، داده‌های نرمال‌شده را دوباره برآورد کرده و خروجی آن به‌صورت زیر است:

جدول شماره ۷: تخمین مدل با متغیرهای مستقل استانداردشده

متغیرهای توضیحی	ضرایب	مقادیر آماره t	مقادیر P-Value	نتیجه‌گیری
$Risktaking_{it}=\beta_1+\beta_2 BLOCK_{it}+\beta_3 MANAGER_{it}+\beta_4 BS_{it}+\beta_5 OUT_{it}+\beta_6 CAP_{it}+\beta_7 SIZE_{it}+\beta_8 GROA_{it}+\beta_9 LTD_{it}+\varepsilon_{it}$				
مقدار ثابت	۰/۰۳۳	۲/۹۰	۰/۰۰۵	معنادار – مثبت
دوگانگی مدیرعامل	۰/۰۰۴	۲/۲۲	۰/۰۲۶	معنادار – مثبت
اندازه هیئت‌مدیره	۰/۰۴۸	۳/۴۷	۰/۰۰۱	معنادار – مثبت
استقلال هیئت‌مدیره	−۰/۰۲۶	−۲/۷۰	۰/۰۰	معنادار – منفی
سهامداران نهادی	−۱/۲۵	−۱۰/۴۰	۰/۰۰	معنادار – منفی
نسبت سرمایه به دارایی	−۰/۶۱	−۷/۴۴	۰/۰۰	معنادار – منفی
اندازه بانک	۰/۶۰	۹/۷۰	۰/۰۰	معنادار – مثبت
بازده دارایی‌ها	−۰/۲۴	−۰/۶۴	۰/۰۰۴	معنادار – منفی
نسبت تسهیلات به سپرده	۰/۶۳	۱۲/۲۵	۰/۰۰	معنادار – مثبت
			آزمون دوربین– واتسون	۲/۴۳
مقادیر P-Value		۰/۰۰۰۱	مقادیر ضریب تعیین R^2	۰/۸۵
نتیجه کفایت مدل	با توجه به مقادیر آزمون F و مقدار P-Value کمتر از ۵ درصد، رابطه معنادار است.			

همان‌طور که در جدول شماره (۷) مشاهده می‌شود، اکنون برآورد مدل با متغیرهای استاندارد صورت گرفته است. حال می‌توان اثر متغیرهای مستقل را بر روی متغیر وابسته با یکدیگر مقایسه کرد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، متغیر سهامداران نهادی بیشترین تأثیر را بر ریسک اعتباری با مقدار ۱/۲۵- دارد. در رتبه بعدی، کفایت سرمایه به‌ضریب ۰/۵۱- واقع شده، سپس اندازه هیئت‌مدیره با مقدار ۰/۰۴۸ و استقلال هیئت‌مدیره با مقدار ۰/۰۲۶- و در انتها دوگانگی مدیرعامل با مقدار ۰/۰۰۴ قرار دارد.

در این بخش، پردازش داده‌های نمونه مورد مطالعه ابتدا در بخش آمار توصیفی با محاسبه شاخص‌های مرکزی نظیر میانگین، میانه و شاخص پراکندگی انحراف معیار شروع شد. این شاخص‌ها به تفکیک و همچنین به‌صورت کلی انجام شده است. برای تجزیه و تحلیل مدل‌ها به‌صورت داده‌های ادغام شده نیز از تحلیل پنلی استفاده شده است. در ادامه، خلاصه نتیجه بررسی فرضیه‌ها در جدول شماره (۸) نمایش داده می‌شود.

جدول شماره ۸: خلاصه نتیجه آزمون فرضیه‌ها

ردیف	فرضیه	نتیجه	اثر
۱	سهامداران نهادی بر ریسک اعتباری بانک‌ها تأثیرگذار است.	تأیید	منفی
۲	استقلال هیئت‌مدیره بر ریسک اعتباری بانک‌ها تأثیرگذار است.	تأیید	منفی
۳	اندازه هیئت‌مدیره بر ریسک اعتباری بانک‌ها تأثیرگذار است.	تأیید	مثبت
۴	اندازه بانک بر ریسک اعتباری بانک‌ها تأثیرگذار است.	تأیید	مثبت
۵	نسبت سرمایه به‌دارایی‌ها بر ریسک اعتباری بانک‌ها تأثیرگذار است.	تأیید	منفی
۶	بازده دارایی‌ها بر ریسک اعتباری بانک‌ها تأثیرگذار است.	تأیید	منفی
۷	نسبت تسهیلات به سپرده بر ریسک اعتباری بانک‌ها تأثیرگذار است.	تأیید	مثبت

نتایج تحقیق نشان از تأیید فرضیه‌های تحقیق دارد.

تحلیل نتایج

- **فرضیه اول تحقیق:** رابطه سهامداران نهادی بر ریسک اعتباری بانک‌ها منفی و معنی‌دار است.

این نتیجه، با نتیجه به‌دست آمده از پژوهش ابوالسود (۲۰۱۸)، چی (۲۰۰۵) و ایزدی‌نیا و همکاران (۱۳۹۱) همسوست. چی در پژوهش خود به این نتیجه رسید که سهامداران نهادی و حاکمیت شرکتی باعث بهبود عملکرد شرکت شده و باعث کاهش ریسک می‌شود. ایزدی‌نیا و همکارانش نیز در

پژوهشی دریافتند که میان حاکمیت شرکتی و ریسک اعتباری رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. علت احتمالی وجود رابطه منفی و معنادار این است که بانک‌ها در فرایند اصلی کسب و کار خود به‌طور فعال ریسک‌های متفاوتی را متحمل خواهند شد. بنابراین، بانک‌ها با تجزیه و تحلیل کیفیت اعتباری درخواست‌کنندگان وام و اخذ وثایق و تضامین کافی، سعی در حذف چنین ریسک‌هایی دارند. حضور سهامداران نهادی در بانک‌ها باعث می‌شود که نظارت بر هیئت‌مدیره افزایش یافته و تضاد منافع بین مالکان و مدیران کمتر شود و وضعیت اعطای وام و شرایط ضامن‌ها و اخذ وثایق، دشوارتر شده که در نتیجه ریسک عدم بازپرداخت اصل و فرع تسهیلات، کاهش خواهد یافت.

- **فرضیه دوم تحقیق:** استقلال هیئت‌مدیره بر ریسک اعتباری بانک رابطه منفی و معنی‌دار دارد.

در تأیید مطالعات این فرضیه چی و همکارانش در پژوهش خود رابطه بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی را بر عملکرد و ریسک مورد بررسی قرار دادند. آنان به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که تعداد بیشتری از اعضای غیرموظف در هیئت‌مدیره به خدمت می‌گیرند، عملکرد بهتر و ریسک کمتری دارند. شورورزی و همکارانش در پژوهشی به بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت بر مبنای رگرسیون فازی پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که بین وجود اعضای غیرموظف در هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت، رابطه مثبت و معنادار و بین وجود اعضای غیرموظف در هیئت‌مدیره و ریسک، رابطه منفی و معناداری برقرار است. علت احتمالی وجود رابطه منفی و معنی‌دار بین استقلال هیئت‌مدیره و ریسک اعتباری را می‌توان این‌طور بیان کرد که بدون وجود سازوکارهای اصول راهبری مناسب، احتمال بیشتری وجود دارد که مدیران از حداکثرسازی منافع سهامداران منحرف شوند و تصمیماتی را اتخاذ کنند که در راستای منافع سهامداران و سرمایه‌گذاران نباشد. در صورتی که اکثریت اعضای هیئت‌مدیره را مدیران مستقل غیرموظف تشکیل دهد، هیئت‌مدیره از کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود. می‌توان اظهار داشت که هر چه استقلال هیئت‌مدیره بیشتر باشد، عملکرد شرکت بهتر بوده و با اعمال نظارت بر مدیران موظف، ریسک سرمایه‌گذاری در پروژه‌های غیرسودآور و در نتیجه ریسک اعتباری شرکت، کاهش خواهد یافت.

- **فرضیه سوم تحقیق:** اندازه هیئت‌مدیره بر ریسک اعتباری بانک‌ها رابطه مثبت و معناداری دارد.

این نتیجه، با نتیجه به‌دست آمده از پژوهش ابوالسود (۲۰۱۷) و ازینه (۲۰۱۱) هم‌راستاست. ابوالسود به این نتیجه رسید که بانک‌هایی که دارای مالکیت مدیریت بیشتر و هیئت‌مدیره کوچک‌تر هستند، ریسک سرمایه‌گذاری کمتری دارند. علت احتمالی وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین اندازه هیئت‌مدیره و ریسک اعتباری بانک‌ها را می‌توان این‌طور بیان کرد که هر چه اندازه و تعداد

هیئت‌مدیره کوچک‌تر باشد، عملکرد شرکت بهبود و ریسک شرکت کاهش می‌یابد. به بیان دیگر، کارایی آنان در بحث‌های پیش آمده بیشتر شده و بهتر می‌توانند در جهت اهداف شرکت گام بردارند. در هیئت‌مدیره‌های بزرگ‌تر ممکن است افرادی بدون تخصص وجود داشته باشند که کارایی هیئت‌مدیره را تحت تأثیر قرار دهند.

- **فرضیه چهارم تحقیق:** اندازه بانک بر ریسک اعتباری بانک‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.

این نتیجه، با نتیجه به‌دست آمده از پژوهش ازینه (۲۰۱۱)، سپهردوست و آئینی (۱۳۹۲) هم‌راستاست. سپهردوست و آئینی (۱۳۹۲) به بررسی عوامل مؤثر بر نسبت کفایت سرمایه در بانک‌های ایران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ پرداختند. نتایج نشان داد که متغیرهای اندازه بانک، سهم تسهیلات اعطایی، میزان بازده حقوق صاحبان سهام، ذخیره زیان تسهیلات اعطایی و اهرم مالی، رابطه منفی و معنادار با نسبت کفایت سرمایه دارند. بزرگ‌تر شدن بانک‌ها موجب ضعف در حاکمیت شرکتی شده و سودآوری و عملکرد بانک را کاهش می‌دهد. از طرفی، مدیران بانک‌ها این تصور را دارند که اگر مؤسسه آن‌ها به اندازه کافی بزرگ شود، در صورت بروز هر نوع مشکل و بحران، از طرف دولت، کمک و حمایت می‌شوند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش اندازه بانک، عملکرد بانک تضعیف شده و ریسک اعتباری بانک افزایش خواهد یافت.

- **فرضیه پنجم تحقیق:** نسبت سرمایه به دارایی بر ریسک اعتباری بانک‌ها دارای رابطه منفی و تأثیرگذار است.

با توجه به این‌که این نسب را می‌توان با اغماض معادل کفایت سرمایه برشمرد، می‌توان عنوان داشت که این نتیجه، با نتیجه به‌دست آمده از پژوهش ابوالسود (۲۰۱۷)، ماتیوس و همکاران (۲۰۰۰)، نظریان و همکاران (۱۳۹۵) و محمودوند و محمدی (۱۳۹۲) هم‌سوست. ابوالسود در پژوهش خود به بررسی ساختار حاکمیت شرکت و کفایت سرمایه و پیامدهای ریسک‌پذیری بانک پرداخت و به این نتیجه رسید که بین کفایت سرمایه و ریسک اعتباری رابطه معکوس برقرار بوده و بانک‌هایی که دارای مالکیت مدیریت بیشتر و هیئت‌مدیره کوچک‌تر هستند، ریسک سرمایه‌گذاری کمتری دارند و بانک‌های دارای طرز حکومت خوب، می‌کوشند خود را در وضعیتی با ریسک پایین نگه دارند. حتی در وضعیت بحران مالی با نگهداری نسبت‌های سرمایه بالا، ریسک خود را پایین نگه می‌دارند. ماتیوس و همکارانش نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که افزایش کفایت سرمایه، به کاهش دارایی‌های ریسک‌دار از قبیل وام‌های بانکی منجر شده و در نتیجه ریسک اعتباری کاهش خواهد یافت.

- **فرضیه ششم:** بازده دارایی‌ها بر ریسک اعتباری دارای رابطه منفی و معنی‌داری است.

این نتیجه، با نتیجه به‌دست آمده از پژوهش میرعسکری و همکاران (۱۳۹۶)، هم‌راستاست. میرعسکری و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی ارتباط بین متغیرهای کلان اقتصادی و ریسک اعتباری بانک‌های کشور ایران با استفاده از روش رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های تابلویی پرداختند. علت احتمالی وجود رابطه منفی و معنی‌دار بین میزان رشد بازده دارایی‌ها و ریسک اعتباری را می‌توان این‌طور بیان کرد که بازده دارایی با سودآوری ارتباط مستقیم داشته و افزایش میزان رشد بازده دارایی‌ها به‌معنای افزایش میزان رشد سودآوری در بانک است. بنابراین، با افزایش میزان رشد بازده دارایی‌ها، سودآوری و عملکرد بانک بهبود یافته که این امر نیز به‌کاهش ریسک اعتباری بانک منجر می‌شود.

- **فرضیه هفتم تحقیق:** نسبت تسهیلات بر ریسک اعتباری بانک‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.

این نتیجه، با نتیجه به‌دست آمده از پژوهش کریمی موغاری و همکاران (۱۳۹۴) و اصلی (۱۳۹۰)، هم‌راستاست. کریمی موغاری و همکارانش به بررسی عوامل مؤثر بر معوقه‌های بانکی و ریسک اعتباری مشتریان حقیقی شعب بانک تجارت شهرستان نکا پرداختند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که مدت تسهیلات، نرخ تسهیلات، نوع وثیقه و تسهیلات، تأثیر معناداری بر وصول مطالبات بانکی دارد و متغیرهای تکلیفی یا غیرتکلیفی تسهیلات و میزان تسهیلات، اثر معناداری بر احتمال نکول ندارد. علت احتمالی وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین نسبت تسهیلات و ریسک اعتباری را می‌توان این‌طور بیان کرد که اعطای تسهیلات تجاری به مشتریان در ذات خود با ریسک اعتباری مواجه است و احتمال عدم بازپرداخت اصل و فرع تسهیلات اعطا شده به مشتریان به‌دلایل مختلف از قبیل درماندگی مالی وام‌گیرندگان وجود دارد.

برخی توصیه‌های تحقیق

- با توجه به فرضیه‌های تحقیق مبنی بر اثر سهامداران نهادی و همچنین استقلال هیئت‌مدیره بر ریسک اعتباری، به‌ویژه در نشان دادن وزن مؤثر بحث نظارت، موضوعاتی از قبیل بهبود مدیریت ریسک از طریق تقویت کنترل‌های داخلی می‌تواند نشان از اهمیت بیشتر این مسئله باشد. این موضوع، تعیین فرایندهای مشخص برای تصمیم‌گیری در مورد ریسک‌ها، ارزیابی و نظارت بر فعالیت‌های خود برای شناسایی ریسک‌ها و پیشگیری از آن‌ها، ایجاد سیستم‌های گزارش‌دهی مؤثر و تعیین مسئولیت‌های مشخص برای مدیریت ریسک‌ها را نیز شامل می‌شود.

- با توجه به تأیید فرضیه اثر استقلال هیئت‌مدیره بر کاهش ریسک اعتباری، بنابراین بانک‌ها می‌توانند به موضوع استقلال هیئت‌مدیره توجه کرده و به‌منظور پایین آوردن میزان ریسک اعتباری، راهکارهایی در جهت افزایش استقلال هیئت‌مدیره ارایه کنند.
- به‌منظور ثبات وضعیت و جلوگیری از ایجاد وضعیت بی‌ثباتی در راستای پایین آوردن ریسک‌های مرتبط، اصلح است بانک‌ها، مدیرعامل‌های خود را حفظ کرده و تنها در صورت لزوم، دوره تصدی مدیرعامل را کاهش دهند.
- با توجه به نتایج برآوردی تحقیق مبنی بر اثر سهامداران نهادی بانک‌ها بر مدیریت ریسک اعتباری، با وجود این‌که با تجزیه و تحلیل کیفیت اعتباری درخواست‌کنندگان وام و اخذ وثایق و تضامین کافی و پایش وضعیت جاری خود، می‌توانند ریسک‌هایی را تقبل کنند، اما این اقدامات به‌دلیل وجود تضاد منافع بین مالکیت و مدیریت، به‌طور کامل نمی‌تواند زیان‌های ناشی از ریسک را پوشش دهد. پس، این مورد می‌بایست مدنظر قرار گیرد.
- با توجه به فرضیه اثر نسبت تسهیلات به سپرده بر افزایش ریسک اعتباری، بانک‌ها می‌بایست ضمن تنوع‌بخشی به تسهیلات اعطایی و وثایق دریافتی متناسب با وضعیت فعلی بانک تا اهداف تعیین شده آن، گستره‌ای را تعیین کنند به‌طوری که ماهانه آن را پایش کرده و متناسب با انحراف از اهداف تعیین شده، وضعیت را تغییر داده و تطبیق کنند. این کار می‌تواند در کنار اعطای تسهیلات کمک کند تا در صورت بروز مشکل، بانک ریسک کمتری را متحمل شود. به‌بیان دیگر، این موضوع می‌تواند بازده دارایی‌ها را نیز افزایش دهد. یعنی با کاهش ریسک اعتباری از طریق این راهکار، اعطای تسهیلات سبب افزایش بازده دارایی نیز خواهد شد.

منابع و مآخذ

۱- امیرحسینی، زهرا؛ محسنی بهبهانی، سمیه. (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه بین اصول حاکمیت شرکتی با عملکرد هیئت‌مدیره شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، مجموعه مقالات اولین همایش منطقه‌ای پژوهش‌ها و راهکارهای نوین در حسابداری و مدیریت، ***مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی شفق تنکابن***، صص. ۲۰۲-۱۷۵.

۲- ایزدی‌نیا، ناصر؛ رسائیان، امیر؛ رضایی رجایی، علی‌اصغر. (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه هموارسازی سود با ابزارهای حاکمیت شرکتی و نقدشوندگی سهام»، ***فصلنامه برنامه و بودجه***، شماره ۱۷، صص. ۷۸-۵۳.

۳- ایمان‌زاده، پیمان؛ وطن‌پرست، محمدرضا؛ عباسی، سعیده. (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر تمرکز مالکیت بانکی بر کفایت سرمایه، نقدینگی و ثبات سرمایه»، ***همایش بین‌المللی مدیریت و حسابداری ایران***، شماره سوم.

۴- بانک مرکزی ج.ا.ا. بانک، ***اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی***، (http://tsd.cbi.ir).

۵- پهلوان‌زاده، مسعود. (۱۳۸۶)، «مروری بر رویکردهای جدید نسبت کفایت سرمایه در بانک‌ها (براساس بیانیه دوم کمیته مقررات و نظارت بانکی بازل)»، ***مجله روند بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران***، شماره ۵۲ و ۵۳)، صص. ۶۲-۱۹.

۶- حساس یگانه، یحیی؛ رئیسی، زهره؛ حسینی، سیدمجتبی. (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، ***فصلنامه علوم مدیریت ایران***، سال چهارم، شماره ۱۳، صص. ۱۰۰-۷۵.

۷- خشنود، زهرا؛ اسفندیاری، مرضیه. (۱۳۹۳)، «بررسی وام‌دهی بانکی و کفایت سرمایه: مقایسه بانک‌های دولتی و خصوصی در ایران»، ***فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی***، سال هفتم، شماره ۲۰، صص. ۲۳۵-۲۱۱.

۸- زراءنژاد، منصور؛ خداپناه، مسعود؛ خدیوی، نیلوفر. (۱۳۹۷)، «بررسی تأثیر توسعه مالی و چرخه‌های تجاری بر ریسک اعتباری بانکی ایران»، ***مطالعات اقتصادی کاربردی***، دوره ۷، شماره ۲۶، صص. ۸۷-۷۱.

۹- سپهردوست، حمید؛ آئینی، طیبه. (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل مؤثر بر نسبت کفایت سرمایه در بانک‌های ایران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹»، ***مجله پژوهش‌های حسابداری مالی***، سال پنجم، شماره چهارم، شماره پیاپی (۱۸)، صص. ۵۰-۳۵.

۱۰- سعادتی، زهرا؛ جباری، حسین؛ اسدپور، احمدعلی. (۱۳۹۱)، «بررسی توان متغیرهای حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری در پیش‌بینی عملکرد مالی»، اولین همایش ملی بررسی راهکارهای ارتقای مباحث مدیریت، حسابداری و مهندسی صنایع در سازمان‌ها، گچساران، ***دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران***.

۱۱- شورورزی، محمدرضا؛ خلیلی، محسن؛ سلیمانی، حمید؛ فروتن، امید. (۱۳۹۳)، «بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت بر مبنای رگرسیون فازی»، ***پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی***، سال هفتم، شماره ۲۵، صص. ۱۳۹-۱۲۱.

۱۲- فعلی، محمد. (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و ارزش شرکت»، ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***، دانشگاه تهران.

۱۳- کریمی موغاری، زهرا؛ اسدی گرجی، حسین؛ گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی. (۱۳۹۴)، «عوامل مؤثر بر معوقه‌های بانکی و ریسک اعتباری مشتریان (مطالعه موردی: بانک تجارت شهر نکا- استان مازندران)، ***دو فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد پولی، مالی***، سال ۲۲، شماره ۱۰، صص. ۲۰۵-۲۳۴.

۱۴- موحدمنش، صادق‌علی؛ بابایی سمیرمی، محمدرضا؛ فروغی اسعد، نسترن. (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری (با رویکرد عقود اسلامی)؛ مطالعه مؤسسهٔ مالی و اعتباری ثامن‌الائمه استان اردبیل»، ***مدیریت، اقتصاد و حسابداری (پژوهش‌های مالیه اسلامی)***، دوره ۲، شماره ۳، صص. ۱۰۰-۸۹.

۱۵- میرعسکری، سیدرضا؛ حسینی نساز، حمید. (۱۳۹۶)، «تحلیل تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر ریسک اعتباری بانک‌ها»، ***اقتصاد پولی، مالی (دانش و توسعه)***، دوره ۲۴، شماره ۱۳، صص. ۱۷۵-۱۹۹.

۱۶- نظریان، رافیک؛ میرزایی‌نژاد، محمدرضا؛ صحاف‌زاده، امین. (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر مدیریت ریسک اعتباری و شاخص کفایت سرمایه بر کارایی بانک‌های منتخب خصوصی و دولتی ایران»، ***فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی***، شماره ۲۰، صص. ۵۰-۳۲.

1- Nesrine Djebali; Khemais Zaghdoudi. (2019) "Corporate Governance in Banks and its Impact on Credit and Liquidity Risks: Case of Tunisian Banks, ***Asian Journal of Finance & Accounting***, Vol. 11, No. 2.

2- Abou-El-Sood, H. (2017) "Corporate governance structure and capital adequacy: implications to bank credit risk", ***International Journal of Managerial Finance***, Vol. 13, Issue 2, pp. 165-185, doi:10.1108/IJMF-04-2016-0078.

3- Mishkin, Frederic S. (2017) The Economics of Money, Banking and Financial Markets, ***Pearson, Seventh Edition***, Colombia University.

4- Castro, V. (2013) Macroeconomic determinants of the credit risk in the banking system: The case of the GIPSI, ***Economic Modeling***, 31, 672-683.

5- Olawale Samuel Luqman. (2014) The Effect of Credit Risk on the Performance of Commercial Banks in Nigeria.

6- Dosillva, J.; Dioyeno, L. (2013) Analyst impartiality and investment banking relations, ***Journal of Accounting Research***, p. 43, 623650.

7- Ezine, S. (2011) "Institutional Ownership And The Quality Of Earnings", ***Journal Of Business Research***, No. 59, PP. 1043-1051.

8- Kouki, M.; Guizani, M. (2011) "Corporate Governance and Dividend Policy in Poland" Warsaw School of Economics, World Economy Research Institute, Al. ***Niepodlegosci Warsaw***, Poland, 162, PP. 2-554.
9- Alishah, S.; AliButt, S.; hasan, A. (2009) "corporate governance and earnings management empirical evidence from Pakistani listed companies", ***Euro journal of scientific research***, Euro journals publishing.
10- Francis William; Matthew Osborne. (2009) "On the Behaviour and Determinants of Risk-Based Capital Ratios: Revisiting the Evidence from UK Banking Institutions", Economics of Financial Regulation Department, ***Financial Services Authority***, London, Occasional Paper Series 31, March.
11- Switzer Machuga, Susan; Teitel, Karen. (2009) "Board of Director Characteristics and Earnings Quality Surrounding Implementation of a Corporate Governance Code in Mexico", ***Journal of International Accounting***, Auditing.
12- Chung, H.C.; Zhang, H. (2008) "Corporate Governance and Institutional Ownership", Http://Papers.Ssrn.Com.
13- Van Hoose, D. (2007) "Theories of Bank Behavior Under Capital Regulation", ***Journal of Banking and Finance 31***: 3680-3697.
14- Basel Committee on Banking Supervision. (2006) "Basel II: International Convergence of Capital Measurement and Capital Standards: A Revised Framework-comprehensive Version", ***Consultative Paper***.
15- Chi, j. (2005) understanding the endogeneity between firm value and shareholder rights, Financial Management, ***Financial Management Assosiation***, Winter 2005, pp. 65-76.
16- Chen, J.; Hong, H.; J. Stein. (2001) "Forecasting Crashes: Trading Volume, Past Returns and Conditional Skewness in Stock Prices", ***Journal of Financial Economics***, Vol. 61, pp. 345-381.
17- Kim, D.; A.M. Santomero. (1988) "Risk in Banking and Capital Regulation", ***Journal of Finance 43***, 1219-1233.
18- Taxation 18, PP. 1–13.
19- Berger, A.; Herring, R.J.; G.P. Szego. (1995) "The Role of Capital in Financial Institutions", ***Journal of Banking and Finance***, 19, pp. 394-430.